

استاد عبدالرحمن فرامرزی

تاریخ نیست مگر وقایع مکرر

دوست عزیز و همکار ارجمندم آقای یغمائی

مقاله آقای امان‌الله فرزد را خواندم. روانی سخن و شیرینی قلم و قوه استدلال ایشان درمجادله و مغالطه مورد تقدیر من است و در بسیاری از مطالب ما باهم توافق داریم. هوش ملت یهود، برگزیدگی سران اسرائیل را من تصدیق دارم. اینها اروپائی هستند آرم اروپائینی که هیتلر ایشانرا بیرون کرد برای اینکه کار را از دست ملت آلمان گرفته بودند. یعنی اینها از برگزیدگان ملل اروپا هستند ولی این صفات با ایشان حق نمیدهد که بیایند خانه مردم را از دستشان بگیرند.

اینها در فلسطین بسیار آبادی کرده‌اند ولی آیا آقای فرزد راضی می‌شوند که یکی از ایشان عاقل‌تر، عالم‌تر، ثروتمندتر و باسلیقه‌تر بیاید و خانه ایشانرا برور بگیرد، و برای خود آباد کند. عمارت خوب بسازد، درباغچه گل‌های الوان بکارد، و آنرا بیک بهشت مصفا تبدیل سازد، و بعدا گرایش اعتراض کنند مردم با ایشان بگویند بابا تو نالایق بودی، خانه خرابه‌ئی را از تو گرفته‌اند و به بهشت برین تبدیل ساخته‌اند، توجه می‌گویی؟ آیا ایشان این حرف را حساب میدانند و قبول می‌کنند؟

چنانکه من در شماره پیش یغما نوشته بودم روزیکه انگلیسها در فلسطین تشکیل حکومت یهودی دادند از یک ملیه نواندی ملت فلسطین بیش از هشتاد هزار یهودی نبود، و از قراریکه خودشان ادعا میکنند - و معلوم هم نیست صحیح باشد - امروز دو ملیون هستند که هر کدام تحت حمایت طیارات و کشتیهای جنگی و توپ و تانک متفقین از کشوری آمده‌اند و مسلمانان را از خانه خود بیرون کرده‌اند و جای ایشانرا گرفته‌اند. کسیکه حرف از حق و عدل و انسانیت میزند چگونه چنین چیزی را روا میدانند؟

در طرز عمل و تاکنیک اسرائیل و عدم فرماندهی عرب و حتمی غفلت و نادانی ایشان من مخالفتی با آقای فرزد ندارم. دلیل سهل‌ایشان همین بس که در یک چنین موقعی خودسان مثل گرگ و پلنگ توی هم افتاده‌اند و با تمام حسن نیتی که دولت و ملت ایران با ایشان نشان میدهند، از چندین دولت عرب فقط سه دولت در اینجا سفارتخانه دارند و باقی رابطه خود را با ماقطع کرده‌اند!

سر چه؟ برای چه؟

البته هر آدم نادانی که از برادر خود قهر میکند دلیلی پیش خود دارد ولی باید دید که آیا این دلیل منطقی هست یا نیست؟ ولی ملت ایران خودخواهی چندسر و سردار را پای ملت مظلوم مغضوب فلسطین حساب نمیکند، و از استقبالی که از مقاله من در یغما کرد نشان داد که راجع به قضیه فلسطین چقدر حساس است.

ایشان نوشته‌اند که در آلمان با بعضی از اشخاص شرط بسته‌اند که عربها پیش‌ازده روز نمیتوانند جلو اسرائیل مقاومت کنند، و در واقع چهار روز پیش از حد مقاومت ایشان حدس زده‌اند. ولی من سه روز کمتر حدس می‌زدم.

یکی دوروز پیش از جنگ عرب و اسرائیل روزی نزد آقای نخست‌وزیر رفته بودم. در اطاق انتظار بودم که آقایان مسعودی و دکتر مصباح‌زاده وارد شدند، پرسیدم که شما برای چه آمدید؟ آقای مسعودی گفت احتمال دارد که جنگ بشود. آخر ما باید تکلیف خود را بدانیم و پیش‌بینی کنیم، ممکن است به‌ام برسند. گفتم این جنگ سه روز بیشتر طول نخواهد کشید. گفت نتیجه؟ گفتم عربها شکست می‌خورند و جنگ تمام‌می‌شود چون این حرف برخلاف انتظار او بود از من دلیل خواست و من دلیلش را گفتم که چون مقاله بدر از او صادر کشید و هر چه بزبان سر می‌توان گفت بزبان قلم نمیتوان آورد، از ذکر آن صرف نظر می‌کنم.

تفرق عربها، عدم فرماندهی واحد ایشان و نداشتن هماهنگی چیزی بود که همه‌کس میدانست مگر کسی که از وضع خاورمیانه و منارعه سران عرب و عدم آشنائی اغلب ایشان بجنگهای منظم اطلاعی نداشت.

سرهنگ سابق آقای نجاتی کتابی بنام جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل نوشته و طوری وضع آنجا و استعداد و تاکتیک طرفین را شرح داده که آدم وقتی آنرا می‌خواند خود را در میدان جنگ می‌بیند. این کتاب تاکنون هشت مرتبه تجدید چاپ شده و اینهم یکی از دلایلی است که ملت ایران چقدر به قضیه فلسطین علاقه مند است.

اینها نقاط اتفاق من و آقای فرزد است و اما نقاط اختلاف من و ایشان چیست؟ ایشان منکر این شده‌اند که شکست عربها بواسطه خیانت افسران خودشان و اطلاع اسرائیل از رمز و رازات جنگ مصر و اسرار نظامی او توسط رکن دوم ستاد ارتش انگلیس بوده است. ایشان که از شبوه قلمشان معلوم است که مرد بسیار مطلعی هستند لابد میدانند که مجله دیس اسپیکل مهمترین مجلات آلمان است که در بسیاری اوقات بدان استناد میشود. نویسنده این مجله روزهای جنگ در «نل ایب» یا بقول اسرائیلیها در «تل اوو» بوده و تفصیل این جنگ را نوشته. من این مجله را دارم که متن آلمانی آن گراور و کناران آن عبری ترجمه شده است و هر وقت ایشان بخواهند حاضریم با ایشان نشان بدهم.

در این مجله چند نکته هست که بطور خلاصه عرض می‌کنم:

- ۱- اسرائیل بطور حتم بسوریه حمله می‌کرد.
- ۲- ولی حمله اسرائیل قابل جبران بود برای اینکه مصر از حیث نیرو بر اسرائیل برتری داشت.
- ۳- ناوگان امریکا در کنار اسرائیل لنگر انداخته بودند که اگر اسرائیل شکست خورد بوی کمک کنند.

۴- پیاده نظام مصر روز اول اسرائیل را بدو نیمه کرد بطوریکه موشه دایان خواست از ناوگان امریکا طلب یاری کند ولی عصر یکدفعه ورق برگشت.

۵- علت برگشتن ورق این بود که رکن دوی ستاد ارتش انگلیس رمز نظامی مصر را بدست آورده بود و در اختیار اسرائیل گذاشت و اسرائیل تمام ذخائری که قاهره برای ارتش

فرستاده بود در عرض راه گرفت و دیگر ارتش مصر يك قطره بنزين برای تانکها و عرابه‌های خود نداشت ، و اسرائیل با همان رمز بارش مصر دستور میداد بطوریکه افواج مصری اول دفعه خودشان یکدیگر را کوبیدند ، و بعد دستوری که بایشان میرسید نمیدانستند از قاهره است یا تل اوویو و هیچ حرکتی نمیتوانستند بکنند .

۶- دیر اشپیکل اظهار تأسف کرده که مردمیکه روی دریای نفت زندگی میکنند برای يك قطره بنزين شکست بخورند .

۷- جاسون ناصر را گول زد که ناوگفت اگر شروع بحمله کنید عواقب کار خود را خواهید دید و مفهوم این حرف این بود که اسرائیل ابتدای به حمله نخواهد کرد .

۸- سفیر شوروی ساعت سه بعد از نصف شب ناصر را از خواب بیدار کرد و پاوگفت که شما نباید حمله کنید .

۹- حالا خیلی زود است که ناصر از حقیقت حقه بازی و دورغ سازی سیاستمداران غرب سردر بیاورد .

اینها مطالب دیر اشپیکل است و علاوه بر آن آقای فرزد میدانند که کشتی امریکائی که بعدها اسرائیلیها ندانسته آنرا غرق کردند رادار مصر را خراب کرد ، و همین امریکا حفظ آسمان اسرائیل را تهدد کرده بود یعنی اگر طیارات عرب بسر آسمان اسرائیل ظاهر می شدند امریکا آنها را میزد . بعد از این چه جای انکار است که امریکا و انگلیس حداعلای مساعدت را در این جنگ با اسرائیل کرده اند ؟

راجع بتخلیه هندوستان مرقوم فرموده اند : همه کس میدانند که علت تخلیه هندوستان توسط انگلیسها آن بود که اشغال هندوستان توسط قوای نظامی دیگر برای انگلستان صرف نمیکرد الخ ، نه ، خیر ، هیچکس چنین چیزی نمیداند جز بعضی رجال حکومتهای شرق که هر بلائی سرا انگلیسها بیاید میگویند خودشان خواسته اند ، و برخی از ایشان دمتقد بودند که حتی استالین و رجال حکومت شوروی را نیز خود انگلیسها گذاشته اند که آنجا را برای ایشان اداره کنند ، و من از یکی از رئیس الوزراهای اسبق شنیدم که هند الآن مثل دوست سال قبل در جنگ انگلیس است و نهرو را گماشته اند که بدون درد سر آنجا را برای ایشان اداره کند و مرحوم دکتر مصدق میگفت که وزارت خارجه امریکا جزو انتلیجنت سرویس انگلیس است .

نه عزیزم ، انگلیس خودش نرفت اورا باد گنک بیرون کردند . همانطوریکه اورا از مصر و عراق ، و فرانسه را از سوریه و الجزایر و ویتنام و تایلند بیرون کردند ، و نفوذ تمام دول مقتدر اروپا و حتی امریکارا از چین برچیدند .

میفرمایند : « تازه باید از یهودیها تشکر کرده در مقابل ترعه سوئز توقف کردند در صورتیکه مسیر طبیعی و واقعی جنگ آن بود که بعد از رسیدن بر ترعه سوئز بلافاصله از آن عبور نموده سه شهر پرت سعید و اسماعیلیه و سوئز را تصرف کنند . »

میتوانستند بکنند و نکردند ؟

عزیزم ، اسرائیل نیروی انسانی ندارد و وسعت خاک و کثرت جمعیت حسابی دارد . چین بچه چیزش مینازد که برای امریکا و شوروی هر دو کرکری میخواند ؟

و اما بمب اتمی که بدان اشاره فرمودید اگر راست باشد که اسرائیل بمب اتمی دارد باید فاتحه همه ممالک خاورمیانه را خواند که لابد خنه بنده و جناب عالی نیز جزو آنها خواهد بود ، برای اینکه این دهن گشادی که اسرائیل دارد و برای بلعیدن همسایگان باز کرده و هیچ چیز مانع او نیست نه دزدیدن آدم از یک مملکت دیگر ، نه حمله بیک فرودگاه بین المللی ، و نه کش رفتن کشتیهای جنگی از بنادر رانسه ، هر وقت قدرت پیدا کند بهمه کس و همدجا حمله میکند . مخصوصاً شیراز ما در خطر است برای اینکه تمام شعرای ایران شیراز را ملک سلیمان خوانده و تخت جمشید را مقر سلیمان گفته اند و یک بیت از سعدی یا حافظ یا شاه نعمت الله ولی برای دست آویز او کافی است که که آنجا را ادعا کند چنانکه پادشاه سابق عربستان سعودی نیز سفارش داده بود که خیبر ملک یهود بوده و باید و بایشان پس بدهد .

یک جمله آقای فرزد را نفهمیدم و آن اینست :

« قبله مسلمانان قبل از کعبه بیت المقدس بود و حضرت رسول اکرم تا مدتها از منشی یهودی استفاده میکرد » شاید مقصود از منشی « منشی » بدون نون بوده ولی استفاده حضرت رسول از منشی یهود نفهمیدم یعنی چه ؟ محمد از همان منبعی وحی گرفته که موسی و عیسی گرفته اند و این ادیان همه دین خدائی است که بحسب تغییر زمان و ترقی فکری بشر تغییراتی و اصلاحاتی در آن بوجود آمده ، و چون محمد متمم و مکمل همان ادیان بوده طبعاً تا قبله دیگری برای او معین نشده بود میبایست همانجا را قبله قرار دهد که قبله پیغمبران قبل از او بوده است و این استفاده از منشی یهود یا منشی یهودی نبوده است . مگر ما منکر قدس بیت المقدس هستیم ؟ اگر اینطور بود برای این تعصبی نداشتیم و بدست هر کس میافتاد برای ما فرقی نمیکرد .

میفرمایند : « جناب استاد یقین داشته باشید که من قلباً از گرفتاری و شکستی که نصیب برادران مسلمانان شده متأثرم »

مرحمت سرکار کم نشود ! و خدا سایه این برادری و مسلمانی را از سر مسلمانان کوتاه نکند !

جناب آقای امان الله فرزد چون شمارا نمیشناسم باین جهت با کمال عذر خواهی و پوزش طلبی از شما اجازه میخواهم که عقیده خود را صریحاً بگویم : من اینگونه اظهار مسلمانی را جزو تاکتیک صهیونیسم میدانم و اگر اشتباه کرده ام امیدوارم مرا ببخشید . ولی اینرا هم بدانید که من چندان میل نداشتم وارد این بحث شوم زیرا این امری است که باید شمشیر عرب و اسرائیل آنرا حل کند ، و قلم من و شما در آن کوچکترین اثری ندارد . خود شاعر عرب میگوید :

بيض الصفايح لاسود الصحائف في متو نهن جلاء الشك والرئيب

یعنی شك و شبهه را دم سفید شمشیر روشن میکند نه صفحات سیاه نامه .